



شماره ۷۰، بهار ۱۳۸۵

در زراعت و باغبانی

## تعیین عوامل موثر بر مشارکت مرتعداران در تعاونی‌های مرتعداری استان کردستان

• محمد جلالی، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی مراغه، دانشگاه تبریز  
• عزت‌اله کریمی، استاد ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: شهریور ماه ۱۳۸۴ تاریخ پذیرش: بهمن ماه ۱۳۸۴

Email: Mohammadjalali1354@yahoo.com

### چکیده

در دهه‌های اخیر مقابله با عوامل تخریب مراتع و تلاش در جهت احیاء مراتع به عنوان گامی اساسی در راستای توسعه پایدار لازم و ضروری نموده است. اما با توجه به وسعت زیاد عرصه‌های منابع طبیعی و نیاز به نیروی انسانی بسیار زیاد جهت حفاظت و احیاء این منابع به نظر می‌رسد، مشارکت بهره‌برداران عرصه‌های مذکور بهترین وسیله توسعه این منابع باشد. نظام تعاونی به عنوان یکی از الگوهای مشارکت مردمی در حفظ و احیاء مراتع مدنظر مجریان سازمان‌های اجرایی قرار گرفته است. از این رو در این مطالعه به بررسی تعاونی‌های مرتعداری استان کردستان به منظور تعیین سازه‌های مؤثر بر مشارکت مرتعداران پرداخته شده است. این پژوهش به شکل پیمایشی، از طریق تکمیل نمودن پرسشنامه برای اعضای ۲۶ تعاونی مرتعداری هشت شهرستان استان کردستان که طول مدت فعالیت آنها حداقل سه سال بوده، صورت گرفته است. بدین منظور بین ۱۵-۲۰٪ اعضای هر تعاونی به شکل نمونه‌گیری تصادفی انتخاب گردیدند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، از میان سازه‌های ارتباط با کارمندان منابع طبیعی، تقدیرگرایی، موفقیت مداری، دانش فنی فرد، سطح سواد، منفعت- هزینه، پیامد اجتماعی مشارکت، خدمات ترویجی و تأمین نهاده که دارای همبستگی معنی‌داری با متغیر میزان مشارکت فرد در تعاونی می‌باشند، سازه‌های خدمات ترویجی و سطح سواد در تابع رگرسیونی چندگانه به شیوه مرحله‌ای وارد و به ترتیب ۳۷٪ و ۲٪ تغییرات متغیر میزان مشارکت فرد در تعاونی را توضیح می‌دهند.

کلمات کلیدی: مشارکت، تعاونی، حفظ و احیاء منابع طبیعی، مرتعداری

Pajouhesh &amp; Sazandegi No 70 pp: 35-45

### Determinants of rangers participation in rangeland cooperatives in Kurdistan province

By: M. Jalali: Lecturer of Maragheh Faculty of Agricultural, Tabriz University, E. Karami: Ph.D. Prof. Of Agricultural Education and Extension, Faculty of Agricultural, Shiraz University

There has been an attempt to identify factors, which influence natural resource preservation towards achieving sustainable development. Because of complexity and vast areas of rangelands, it seems logical to empower local people in order to participate in preservation and renovation of these resources. One of the mechanisms in social mobilization in rural areas is through the cooperative systems. This study is sought to investigate the factors influencing the participation of rangers in Kurdistan province in North-west Iran. A survey research method was used. A questionnaire

was used as a research instrument. A total of 26 cooperatives with at least 3 years of experience throughout 8 districts in Kurdistan were surveyed. A random sample of 15% - 20% members of each cooperative was selected. The findings indicated that Nine factor were significantly related with individual participation in cooperatives: Relationships between rangers and natural resource personnel, fatalism, achievement orientation, technical knowledge, level of education, cost- benefit, social impact of participation, contact with extension service and input supply. Contact with extension service and educational level were the two factors which entered in the regression model and explained 39 percent of variability in participation by rangers.

**Keywords:** Cooperative, participation, Rangeland Natural resource preservation

### مقدمه

تأکید بر مشارکت مردم در تصمیم‌های پیرامون منابع طبیعی به عنوان نزدیکترین و سهل‌ترین راه حفظ این منابع (۱۳)، به دهه ۱۹۳۰ بر می‌گردد، که از این دهه به بعد تلاش برای کسب دیدگاه و علایق گروه‌های اجتماعی به منظور بهبود شرایط محیطی شروع شده است (۱۹). اما سازمان‌های دولتی از سه دهه پیش به طور جدی شروع به مشارکت دادن مردم در مدیریت منابع طبیعی به عنوان گام اساسی در توسعه پایدار نموده‌اند و تأکید می‌کنند اگر مردم و تشکل‌هایشان از مشارکت در فعالیت‌های زندگی‌شان محروم شوند رشد و توسعه شدیداً بی‌معنی خواهد بود (۴). لذا موفقیت فعالیت‌های حفاظتی تنها منوط به طراحی یک برنامه خوب نیست، بلکه وجود سازمانی با ارتباطات و انعطاف‌پذیری بالا در سطح محلی به منظور مشارکت ساکنین محلی ضروری می‌نماید (۱۴). از این‌رو مشارکت به عنوان ابزاری تشکل‌بخش (۷)، فرآیند اختیار دادن به محرومان (۵)، فرایند درگیری بهره‌گیران پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در تصمیم‌گیری و اجرای آنها و در نهایت بهره‌مندی از موهبت‌های آن (۹، ۱۲، ۲۱)، جزئی از زبان و گفتار بسیاری از آژانس‌های توسعه‌ای گشته است، و این واژه امروزه برای تنظیم و تطبیق نمودن توان سازمان‌های دولتی با ظرفیت‌های محلی و خودباوری مردمان محلی کاربرد دارد (۲۰).

Wicklin و Finsterbusch (۹) در تحقیقی با عنوان مشارکت بهره‌مندان در پروژه‌های توسعه به بررسی تأثیر عوامل وضعیت توسعه منطقه، سطح مهارت بهره‌مندان، وجود رهبری اجتماعی فعال، سازماندهی بهره‌برداران، عدم تمرکز برنامه‌ها (سازمانی)، اندازه پروژه‌ها و برابری اجتماعی بر مشارکت پرداختند، در نتایج خود دریافتند که هرچه کشور توسعه یافته‌تر، سطح مهارت فرد بیشتر، هرچه رهبری اجتماعی کارا تر، برابری اجتماعی بیشتر، هر چه افراد سازمان یافته‌تر و دارای نهادهای خود جوش محلی بیشتر، تمرکز گرای کمتر و اندازه پروژه کوچکتر باشد، امکان دسترسی آنها به همدیگر آسان‌تر و در نهایت میزان مشارکت بیشتر خواهد بود.

ملک محمدی (۲) در تحقیقی پیرامون شاخص‌های مشارکت مردمی در مدیریت منابع طبیعی به روش دلفایی به معرفی سازه‌های مؤثر بر مشارکت روستائیان در طرح‌های مرتع‌داری از دید متخصصین پرداخته است، در یافته‌های خود پی‌برد مواردی چون استفاده از

رهیافت تعاونی برای اجرای طرح‌های مشارکتی، عدم توجه صرف به سودآوری طرح‌های مشارکتی و توجه به آموزش و یادگیری مردم در آنها، مشخص شدن سیاست کلی دولت برای جلب مشارکت مردمی، متجانس کردن اهداف مردم و مسئولین در طرح‌های مشارکتی، تعیین میزان بهره‌وری طرح‌های مشارکتی برای مردم، مشخص شدن شیوه‌ها و سیاست‌های انگیزشی برای جلب مشارکت مردمی در هر منطقه، شناخت عوامل فرهنگی مؤثر در پیشبرد طرح‌های مشارکتی، بررسی و معرفی مناسب‌ترین رهیافت مشارکتی مردمی در هر منطقه، شناخت عوامل اجتماعی مؤثر در پیشبرد طرح‌های مشارکتی، آموزش مردم قبل از تحویل طرح‌های مشارکتی به آنان، آموزش مردم برای آشنایی با نقش منابع طبیعی حائز اهمیت‌اند.

Fortmann و Huntsinger (۱۶) ابراز می‌کنند مطالعات متعددی نشان داده که نه تنها منفعت بلکه عوامل اجتماعی، ارزش‌ها و گرایش‌ها از جمله سطح سواد، سن، درآمد، محل سکونت و اندازه مرتع بر تصمیم‌دمداران مؤثر است. آنها در بررسی شیوه مدیریت و خواسته‌های جنگلداران کالیفرنیا پی بردند که بیشتر ویژگی‌های جمعیت شناختی بر تصمیم افراد مؤثر بوده است. خرده مالکان بهترین پاسخ را به برنامه‌های آموزشی داده‌اند، زیرا آنها معتقدند به وسیله چنین برنامه‌هایی شرایط زندگی آنها بهتر خواهد شد ولی بزرگ مالکان بیشتر به سمت آژانس‌های مشاوره‌ای تمایل دارند و به برنامه‌هایی که سبب محافظت و افزایش درآمد آنها از املاکشان می‌شود رغبت نشان داده‌اند.

Kennedy, Cramer (۶) به مطالعه تأثیر ارزش‌های کارمندان منابع طبیعی بر نحوه رفتار آنها پرداخته‌اند. آنها اشاره می‌کنند که اقتصاد جوامع روستایی وابسته به فراورده‌های منابع طبیعی تحت تأثیر تصمیم‌ها و قوانین اداری است، لذا پی‌بردن به گرایش‌های شخصی کارکنان بسیار حائز اهمیت است. در تحقیق خود دریافتند که ارزش‌های کارکنان در سطوح مختلف سازمان تفاوت‌های شایان توجهی با همدیگر دارند و همچنین در بسیاری از موارد شاهد دنبال نمودن ارزش‌های کارکنان به جای سیاست‌های دولت در انجام فعالیت‌ها بودند، به طوری که بیشتر به ارزش‌های تفریحی و سیاحتی منابع طبیعی نسبت به ارزش‌های اقتصادی و درآمدزایی آنها برای مردمان محلی بهاء می‌دهند.

در مورد عوامل مؤثر بر مشارکت در تشکل‌های روستایی و بالاخص

هریک از آنها، فقدان جامعیت را به همراه خواهد داشت. بنابراین در این پژوهش سعی شده چهار دسته عوامل موثر در میزان مشارکت فرد شامل ویژگی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و حمایتی مورد بررسی قرار گیرند. نگاره ۱ معرف چارچوب نظری این پژوهش می‌باشد. با توجه به چارچوب نظری این پژوهش بررسی عوامل موثر بر مشارکت

مشارکت در فعالیتهای حفظ و احیاء منابع طبیعی مطالعات متعددی علاوه بر موارد بالا صورت پذیرفته است که در تدوین چارچوب نظری این پژوهش مفید خواهد بود. جدول ۱ معرف برخی از این تحقیقات است. این تحقیقات نشان می‌دهند که عوامل متعددی بر مشارکت افراد می‌توانند مؤثر باشند و رفتار فرد را تحت تأثیر قرار دهند که در نظر نگرفتن

جدول ۱- نتایج حاصل از مروری بر پیشینه نگاشته‌ها پیرامون موضوع تحقیق

- عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت:	
Fleischer and Applebaum, ۱۹۹۲; Lorendahl, ۱۹۹۶	۱ - پیامد اجتماعی مشارکت
Finsterbusch & Van Wicklin, ۱۹۸۹; Huntsinger & Fortmann, ۱۹۹۰; Ekpe, ۱۹۹۴; Fleischer & Applebaum, ۱۹۹۲	۲ - وجود رهبری اجتماعی فعال
Finsterbusch & Van Wicklin, ۱۹۸۹	۳ - تشکل محلی و خود جوش
Finsterbusch & Van Wicklin, ۱۹۸۹; Ladele et al., ۱۹۹۴	۴ - روابط بین اعضا
Finsterbusch & Van Wicklin, ۱۹۸۹ Lorendahl, ۱۹۹۶;	۵ - تعداد اعضای تعاونی
Fortmann & Kusel, ۱۹۹۰; Huntsinger & Fortmann, ۱۹۹۰; Cramer & Kennedy, ۱۹۹۳	۶ - محل سکونت
- عوامل اقتصادی مؤثر بر مشارکت:	
Finsterbusch & Van Wicklin, ۱۹۸۹; Fleischer & Applebaum, ۱۹۹۲	۱ - وضعیت اقتصادی منطقه
Gunter & Finlay, ۱۹۸۸; Ekpe, ۱۹۹۴; Fleischer & Applebaum, ۱۹۹۲	۲ - میزان درآمد فرد
Fortmann & Kusel, ۱۹۹۰; Fleischer & Applebaum, ۱۹۹۲; Lorendahl, ۱۹۹۶	۳ - اشتغال
Huntsinger & Fortmann, ۱۹۹۰; Ekpe, ۱۹۹۴	۴ - اندازه مرتع
- عوامل حمایتی مؤثر بر مشارکت:	
Ekpe, ۱۹۹۴; Finsterbusch & Van Wicklin, ۱۹۸۹; Cramer & Kennedy, ۱۹۹۳; Ladele et al., ۱۹۹۴	۱ - تسهیلات اعتباری، خدمات ترویجی عدم تمرکز برنامه‌ها ۲ - ارزش و رفتار کارکنان
Finsterbusch & Van Wicklin, ۱۹۸۹; Ladel et al., ۱۹۹۴	۳ - پیچیدگی برنامه‌ها و تلاش‌ها
- ویژگیهای جمعیت شناختی مؤثر بر مشارکت:	
Huntsinger & Fortmann, ۱۹۹۰; Fleischer & Applebaum, ۱۹۹۲; Ekpe, ۱۹۹۴	۱ - سن افراد
Huntsinger & Fortmann, ۱۹۹۰; Fortmann & Kusel ۱۹۹۰; Fleischer & Applebaum, ۱۹۹۲; Ekpe, ۱۹۹۴	۲ - سواد فرد
Finsterbusch & Van Wicklin, ۱۹۸۹; Battershill & Gilg, ۱۹۹۷; Fleischer & Applebaum, ۱۹۹۲	۳ - سطح مهارت
Fortmann & Kusel, ۱۹۹۰	۴ - جنس
Fleischer & Applebaum, ۱۹۹۲; Huntsinger & Fortmann, ۱۹۹۰	۵ - تعداد اعضای خانوار

جدول ضمیمه ۱- نتایج حاصل از آزمون آلفای کرونباخ به منظور بررسی پایایی (Reliability) پرسشنامه

سازه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ (α)
میزان مشارکت فرد در تعاونی	۰/۸۸
وضعیت اقتصادی منطقه	۰/۵۶
نسبت منفعت به هزینه	۰/۴۲
تقدیر گرایی	۰/۵۵
خوش‌بینی	۰/۷۴
موفقیت‌مداری	۰/۴۵
دانش فنی	۰/۵۹
پایام اجتماعی مشارکت	۰/۸۳
مشارکت اجتماعی فرد	۰/۷۵
ارتباط با کارکنان منابع طبیعی	۰/۵۱
روابط بین اعضا	۰/۸۱
خدمات ترویجی	۰/۶۱

### فرضیه‌های تحقیق

- ۱ - بین ویژگی فردی (جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی) و میزان مشارکت فرد رابطه وجود دارد.
- ۲ - بین عوامل اجتماعی و میزان مشارکت فرد رابطه وجود دارد.
- ۳ - بین عوامل اقتصادی و میزان مشارکت فرد رابطه وجود دارد.
- ۴ - بین عوامل حمایتی و میزان مشارکت فرد رابطه وجود دارد.

### روش تحقیق

این پژوهش به روش پیمایشی<sup>۱</sup> انجام شده است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات ابتدا کلیه تعاونی‌هایی که طول مدت فعالیت آنها تا سال ۱۳۷۹ در هشت شهرستان استان حداقل سه سال بوده، مشخص و تمام تعاونی‌های مزبور که ۲۶ تعاونی هستند جهت مطالعه انتخاب شدند. جامعه آماری این تحقیق شامل اعضای این تعاونی‌ها می‌باشد (N=۱۱۲۰). با توجه به فرمول کوکران و محدودیت‌های تحقیق حجم نمونه مورد نظر در این پژوهش برابر ۲۰۰ عضو تعیین گردید. به منظور تقسیم این حجم نمونه به نسبت تعداد اعضای هر تعاونی، از هر تعاونی بین ۲۰-۱۵٪ اعضا به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق شامل یک پرسشنامه منظم حاوی سؤالات بسته و تعدادی سؤالات محدود باز بود. روائی صوری پرسشنامه توسط متخصصان تأیید گردید. به منظور آزمون پایایی پرسشنامه، یک مطالعه راهنما در استهبان استان فارس ترتیب داده شد. که بر اساس نتایج آن، پرسشنامه مورد اصلاح قرار گرفت (جدول ضمیمه ۱ معرف نتایج حاصل از آزمون آلفای کرونباخ است). در نهایت اطلاعات مورد نیاز این تحقیق با تکمیل پرسشنامه از طریق مصاحبه جمع‌آوری شد. که تعداد ۱۷۹ پرسشنامه جهت تجزیه و تحلیل انتخاب و تعداد ۲۱ پرسشنامه به دلیل مخدوش و ناقص بودن حذف شدند.

### تعاریف کارکردی متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

#### - متغیر وابسته میزان مشارکت فرد در تعاونی

میزان مشارکت فرد در فعالیت‌های حفظ و احیاء مراتع معرف این متغیر است. این متغیر با پرسیدن ۱۳ سؤال مورد سنجش قرار گرفت. دامنه پاسخ‌ها در برگیرنده طیف لیکرت ۱ الی ۵ امتیاز بود که امتیاز ۱ به خیلی کم و امتیاز ۵ به گزینه خیلی زیاد داده شد.

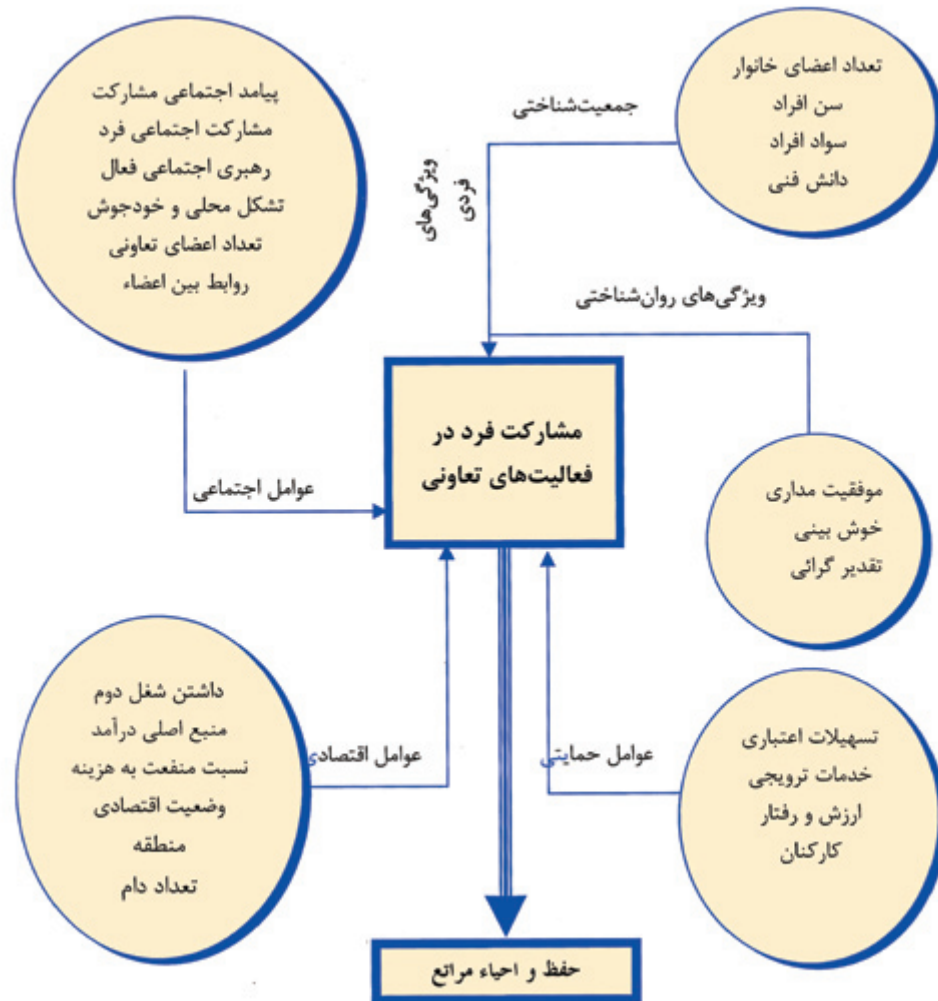
#### وضعیت اقتصادی منطقه:

وضعیت اقتصادی منطقه بر اساس وجود صنایع تبدیلی، صنایع روستایی، پرورش زنبور عسل، رفتن به روستاهای اطراف جهت کارگری و رفتن به شهرهای دور و نزدیک جهت کارگری مورد سنجش قرار گرفت. دامنه پاسخ‌ها در برگیرنده بلی و خیر بود.

مرتعداران در فعالیت‌های حفظ و احیائی مراتع، میزان توانائی آنها در پیش‌بینی میزان مشارکت فرد و در نهایت پیشنهاد‌گزاریهایی برای افزایش جلب مشارکت مرتعداران اهداف این تحقیق می‌باشند.

این پژوهش در استان کردستان انجام شده است. این استان با وسعتی معادل ۲۸۲۰۲۰ کیلو متر مربع در شمال غرب ایران قرار دارد. میزان بارندگی سالیانه در استان نسبتاً زیاد و حد متوسط آن در سال به ۶۰۰ میلی متر می‌رسد که شهرستان مریوان از حداکثر بارندگی برخوردار می‌باشد.

مساحت مراتع استان ۱۴۰۰۰۰۰ هکتار بوده که شامل ۳۵۰۰۰۰ هکتار مراتع عالی با تولید متوسط ۴۵۰ کیلوگرم در هکتار علوفه قابل برداشت، ۵۰۰۰۰۰ هکتار مراتع خوب با تولید متوسط ۲۴۵ کیلوگرم در هکتار علوفه قابل برداشت و ۴۰۰۰۰۰ هکتار مراتع متوسط با تولید متوسط ۱۵۰ کیلوگرم علوفه در هکتار، ۱۵۰۰۰۰ هکتار فقیر با تولید متوسط ۳۸ کیلوگرم در هکتار می‌باشد. بر اساس تخمین کارشناسی تولید علوفه خشک حاصل از مراتع استان اعم از مشجر و غیر مشجر حدود ۶۲۰ هزار تن در سال بوده که حدوداً ۸۰٪ از دام‌های استان به ویژه دام‌های کوچک و بومی وابسته به این دسته علوفه می‌باشند. به منظور حفظ و بهره‌برداری مناسب از این مراتع بدنال پیروزی انقلاب اسلامی سیاست سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور تهیه طرح‌های کوچک مرتعداری از سطح ۲۰۰ هکتار به بالا بوده است، که در استان کردستان از ابتدای شروع تهیه طرح تا آخر سال ۷۷ تعداد ۲۳۴ فقره طرح مرتعداری (کوچک) در سطح ۵۶۵۰۰۰ هکتار تهیه گردید. که از این میزان حدود ۱۲۴ فقره منجر به تنظیم قرار داد دوجانبه ثبتي، اجرای طرح ما بین منابع طبیعی و نمایندگان مرتعداران (شورا، تعاونی و ...) شده. همچنین نزدیک به ۸۰ تعاونی مرتعداری برای ادامه مدیریت مراتع تشکیل گردید (۲).



نگاره ۱- عوامل مؤثر بر میزان مشارکت فرد

**موفقیت مداری:**

موفقیت مداری بر اساس میزان دسترسی به اهداف و آرزوهای زندگی، میزان انگیزه برای تلاش و فعالیت، تفریح را فدای کار نمودن و اندیشیدن زیاد پیش از انجام کار و ... سنجیده شده است.

**خوش بینی:**

خوش‌بینی بر اساس نظر فرد در مورد بچه‌های ما روزهای بهتر از وضعیت کنونی ما خواهند داشت، اگرچه شرایط هر روز دشوارتر می‌شود، کشور در آینده وضع بهتر خواهد داشت و ... سنجیده شد.

**تقدیر گرایی:**

تقدیرگرایی بر اساس یک مقیاس هشت موردی شامل شانس و اقبال نقشی در خوشبختی و یا بدبختی فرد ندارد، خوششانس بودن بهتر از پشتکار داشتن است، خوششانس بودن بهتر از باهوش بودن است، ...

**روابط بین اعضاء:**

روابط بین اعضاء بر اساس میزان احترام گذاردن به نظرات سایر اعضاء، داشتن روابط دوستانه با همدیگر، تشویق اعضای فعال و میزان تلاش اعضاء در جهت انجام فعالیت‌های تعاونی سنجیده شده که به پاسخ خیلی موافق نمره چهار و به خیلی مخالف نمره صفر داده شد.

**روابط کارکنان منابع طبیعی با اعضای تعاونی:**

با پرسیدن یک طیف نه سؤالی از جمله میزان جوابگو بودن کارکنان در سطح روستا، میزان مشورت کارکنان با اعضاء و میزان عمل نمودن به وعده‌ها و ... سنجیده شد.

**دانش فنی فرد:**

دانش فنی فرد با یک مقیاس پنج موردی شامل چگونگی انجام قرق، کپه‌کاری، تعیین زمان ورود دام به مرتع و ... سنجیده شد.

سنجیده شده است.

پیرسون، کای اسکور و رگرسیون چندگانه بوده است.

#### چند شغلی بودن:

علاوه بر اشتغال در بخش کشاورزی بر اساس داشتن شغل دیگری در سایر بخشهای خدماتی تولیدی و ... سنجیده شد، به پاسخ خیر امتیاز صفر و به پاسخ بلی امتیاز یک داده شده است.

#### رضایتمندی شغلی:

رضایتمندی شغلی با یک مقیاس هشت موردی شامل: دآمداری شغل خوبی است اگر فرصت مناسبی پیش آید به شهر نقل مکان خواهم کرد، دوست دارم فرزندانم دآمدار شوند و ... سنجیده شده است.

#### منفعت - هزینه

منفعت - هزینه با آگاهی فرد در مورد سودآور بودن تعاونی بر اساس اینکه آیا انجام کارها به شکل گروهی منفعتزا است، تعاونی موجب افزایش درآمد شما شده، تعاونی موجب کاهش هزینه شما شده است، مورد سنجش قرار گرفته است.

#### پیامد اجتماعی مشارکت:

پیامد اجتماعی مشارکت بر اساس یک مقیاس هفت موردی از جمله من از عضویت در تعاونی احساس عزت و احترام می‌کنم، تعاونی نقش مهمی در زندگی من ایفا می‌کند، ابزاری برای انعکاس باورهای من است، سبب بهبود روابط من با سایر اهالی روستا شده است... سنجیده شده است.

#### مشارکت اجتماعی فرد:

مشارکت اجتماعی فرد بر اساس عضویت در شورای ده، میزان دخالت در فعالیتهای عمرانی، جشن، مذهبی، مشورتی و چرای دام به شکل گروهی مورد سنجش قرار گرفت.

#### وجود رهبری اجتماعی فعال:

به منظور سنجش این متغیر از تکنیک جامعه سنجی استفاده گردید. بدین شکل که با پرسیدن این پرسش که در مورد مسائل اجتماعی، امور دامپروری و مرتعداری با چه کسی بیشتر مشورت می‌کنید، سنجیده شده است. چنانچه اعضای تعاونی تنها یک الی دو شخص خاص را نام برده‌اند امتیاز یک و در غیر این صورت امتیاز صفر به اعضای آن تعاونی داده شده است.

#### وجود تشکل محلی و خودجوش:

وجود تشکل محلی و خود جوش بر اساس وجود تشکل‌هایی چون تعاونی تولید و مصرف، شورای ده، گروه‌های کاری سنتی (هراسه، بنه و ...) و سایر موارد که افراد به آنها اشاره می‌نمودند سنجیده و به ازاء هر مورد نامبرده امتیاز ۱ الی چهار داده می‌شد.

#### خدمات ترویجی

خدمات ترویجی بر اساس میزان شرکت در کلاس‌های ترویجی، دیدن برنامه‌های ترویجی مرتبط با منابع طبیعی، شنیدن برنامه‌های رادیویی مرتبط با منابع طبیعی، مطالعه نشریات مرتبط با منابع طبیعی، بازدید از قطعات نمایشی حفاظت شده و ... سنجیده شده است. امتیاز یک به پاسخ بلی و امتیاز صفر به پاسخ خیر داده شد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده نرم‌افزار آماری SPSS مورد استفاده قرار گرفت. برخی روش‌های آماری مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در این تحقیق فراوانی، جداول توافقی، ضریب همبستگی

### نتایج و بحث

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، اعضای این تعاونی‌ها از سن بالا ( میانگین ۴۶ سال) و سطح سواد پایین ( ۳/۳ سال تحصیلی) برخوردار هستند. بیش از ۹۸ درصد آنها ساکن روستا هستند، که از این تعداد ۶۸ درصد مشغول به دامپروری به شکل سنتی و استفاده از مراتع به عنوان چراگاه هستند. همچنین بیش از ۵۷ درصد اعضا کمتر از ۵۰ واحد دامی<sup>۲</sup> و تنها ۶/۱ درصد بیش از ۲۰۰ واحد دامی دارند. که نشان دهنده وضعیت ضعیف اقتصادی آنها می‌باشد.

میزان قدری بودن افراد عاملی تأثیرگذار بر باور فرد برای تغییر پذیر بودن شرایط بوده است، بطوریکه افراد قدری کمتر اعتقاد به تغییر شرایط از سوی خود دارند. جدول ۲ نشان می‌دهد بیش از ۵۰ درصد افراد اعتقاد کمی به شانس داشته و معتقد بوده‌اند که سعی و تلاش افراد تعیین کننده وضعیت و آینده آنها می‌باشد و تنها ۱۲/۳ درصد ابراز نموده‌اند که شانس نقش بسیار مهمی در زندگی انسان‌ها دارد.

جدول ۳ معرف میزان مشارکت اعضای تعاونی در فعالیتهای تعاونی می‌باشد. از این رو اعضای که از مجموع سؤالات مقیاس مربوطه نمره ۱۳ الی ۲۶ را کسب نموده‌اند دارای مشارکت کم و اعضای که نمره ۵۲/۱ الی ۶۵ را کسب نموده‌اند دارای بیشترین مشارکت در فعالیتهای تعاونی بوده‌اند. بر این اساس تعداد ۴۸ نفر افراد از مشارکت کم برخوردارند (۸/۲۶٪)، تعداد ۶۸ نفر اعضا از مشارکت متوسط در انجام فعالیتهای تعاونی برخوردار بوده (۳۸٪)، تعداد ۴۲ نفر از مشارکت زیاد برخوردار بوده‌اند (۲۳/۵٪) و تنها تعداد ۱۲ نفر در تمام فعالیتهای تعاونی به میزان خیلی زیاد مشارکت جسته اند (۶/۷٪).

#### عوامل مؤثر بر مشارکت فرد در تعاونی

جدول ۴ همبستگی بین متغیرهای اقتصادی، ویژگی‌های فردی، اجتماعی و حمایتی را با مشارکت نشان می‌دهد. از میان متغیرهای اقتصادی متغیر منفعت - هزینه دارای همبستگی مثبت و معنی داری با میزان مشارکت فرد در تعاونی بوده است ( $r=0.22$  و  $p=0.04$ ). این یافته نشان می‌دهد، برداشت فرد از منفعتزا بودن فعالیت‌ها تأثیر به سزایی در میزان مشارکت وی در فعالیتهای تعاونی دارد و می‌تواند مشوقی اساسی برای مشارکت افراد باشد. همواره افراد به برآورد ذهنی فعالیت‌ها می‌پردازند و اگر چنانچه منفعت آنها بیشتر از هزینه باشد به مراتب بیشتر مشارکت می‌جویند.

متغیر تقدیر گرائی دارای همبستگی منفی و معنی داری با میزان مشارکت فرد در تعاونی بوده است ( $r=-0.27$  و  $p=0.00$ ). این یافته نشان دهنده این نکته است که میزان قدری بودن فرد تأثیر به سزایی در میزان مشارکت فرد در فعالیتهای تعاونی دارد، یعنی هرچه افراد کمتر به شانس و تقدیر اعتقاد داشته باشند تعاونی را ابزاری جهت رسیدن به خواسته‌های خود می‌دانند و در برنامه‌های آن شرکت می‌کنند.

متغیر موفقیت‌مداری دارای همبستگی مثبت و معنی داری با میزان مشارکت فرد در تعاونی بوده است ( $r=0.15$  و  $p=0.048$ ). اعضای تعاونی را ابزاری جهت کسب موقعیت اقتصادی - اجتماعی بهتر دانسته و این

جدول ۲- توزیع جمعیت مورد مطالعه بر اساس تعدادی از ویژگیهای فردی و اقتصادی

	درصد	فراوانی	ویژگی	
			سن	
	۱۷/۳	۳۱	زیر ۳۰ سال	
$\bar{X} = 45/6$	۴۲/۵	۷۶	۳۱-۴۵ سال	
	۲۴	۴۳	۴۶-۶۰ سال	
SD = ۱۳/۸	۱۶/۲	۲۹	بزرگتر از ۶۰	
	۱۰۰	۱۷۹	جمع	
			سطح سواد	
$\bar{X} = 3/3$	۴۰/۲	۷۲	بی سواد	
	۴۰/۲	۷۲	ابتدایی	
SD = ۳/۲۱	۱۵/۷	۲۸	راهنمایی	
	۳/۹	۷	متوسطه	
			تقدیرگرایی	
$\bar{X} = 3/65$	۱۰/۱	۱۸	نیست	
	۴۰/۸	۷۳	کم	
SD = ۲/۲۹	۳۶/۹	۶۶	متوسط	
Range=(۸-۰)	۱۲/۳	۲۲	زیاد	
			محل سکونت	
	۱/۲	۲	شهر	
	۹۸/۸	۱۷۷	روستا	
			منبع اصلی درآمد	
	۳۰/۷۳	۵۵	کشاورزی	
	۶۸/۷۲	۱۲۳	دامپروری	
	۰/۵۵	۱	سایر	
			تعداد واحد دامی	
	۱۵/۱	۲۷	کمتر از ۲۰	
$\bar{X} = 70/14$	۴۲/۵	۷۶	۲۰ - ۵۰	
	۲۵/۱	۴۵	۵۱ - ۱۰۰	
SD = ۷۸/۶۳	۱۰/۶	۱۹	۱۰۱ - ۲۰۰	
	۶/۱	۱۱	۲۰۰ به بالا	
	۰/۶	۱	عدم پاسخ	

جدول ۳- میزان مشارکت جمعیت مورد مطالعه در فعالیت‌های تعاونی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	میزان مشارکت	دسته‌بندی نمرات
۲۶/۸	۲۶/۸	۴۸	کم	۱۳-۲۶
۶۴/۸	۳۸	۶۸	متوسط	۲۶/۱ - ۳۹
۸۸/۳	۲۳/۵	۴۲	زیاد	۳۹/۱-۵۲
۹۵	۶/۷	۱۲	خیلی زیاد	۵۲/۱-۶۵
۱۰۰	۵	۹	عدم ارائه پاسخ	
	۱۰۰	۱۷۹	جمع	

$$\bar{X} = 34/28$$

$$SD = 11/55$$

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، بمنظور تعیین درجه همبستگی متغیرهای پژوهش با میزان مشارکت فرد (n = 179)

عوامل	سازه‌ها	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
اقتصادی	وضعیت اقتصادی منطقه	۰/۱۴	۰/۰۷۱
	تعداد واحد دامی	۰/۰۷۱	۰/۳۵۷
	اندازه مرتع	۰/۰۴۹	۰/۵۲۲
اجتماعی	نسبت منفعت به هزینه	۰/۲۲	۰/۰۰۴
	پیامد اجتماعی مشارکت	۰/۳۶	۰/۰۰۰
	مشارکت اجتماعی فرد	۰/۰۳۱۵	۰/۶۷۸
	وجود تشکل محلی	۰/۰۳	۰/۶۹
روانشناختی	ارتباط با کارکنان منابع طبیعی	۰/۲۶	۰/۰۰۱
	تعداد اعضاء تعاونی	۰/۰۳۳	۰/۶۷
	روابط بین اعضاء	۰/۰۳	۰/۶۵۹
جمعیت‌شناختی	تقدیر گرایی	۰-۰/۲۷	۰/۰۰۰
	خوشبینی	۰/۱۲	۰/۱۲۴
	موفقیت‌مداری	۰/۱۵	۰/۰۴۸
	دانش فنی	۰/۴۱	۰/۰۰۰
	سن فرد	۰-۰/۱۳۸	۰/۱۶۴
	سطح سواد	۰/۲۸	۰/۰۰۰
حمایتی	تعداد اعضاء خانوار	۰/۰۰۸	۰/۹۲
	خدمات ترویجی	۰/۵۹	۰/۰۰۰
	تأمین اعتبارات	۰/۰۵	۰/۴۸
	تأمین نهاده	۰/۲۱	۰/۰۰۵

نیل به اهداف تعاونی واقف هستند و بیشتر مشارکت می‌جویند. این یافته با مطالعات Ekpe (۸)، پیرامون عوامل مؤثر بر گسترش تعاونی‌های کشاورزی و Fortmann و Kusel (۱۱) که به بررسی عوامل مؤثر بر گرایش حفظ محیطی ساکنین دو جامعه جنگل‌نشین آمریکا پرداخته بودند، همخوانی دارد.

همچنین از متغیرهای عوامل اجتماعی و حمایتی متغیرهای پیامد اجتماعی مشارکت، ارتباط با کارکنان منابع طبیعی، خدمات ترویجی و تأمین نهاده دارای رابطه با میزان مشارکت فرد می‌باشند، و متغیرهای مشارکت اجتماعی فرد، تأمین اعتبارات، وجود تشکل محلی، تعداد اعضاء خانوار با میزان مشارکت رابطه ندارند. متغیر ارتباط با کارکنان منابع طبیعی دارای همبستگی معنی‌داری (P=۰/۰۰۱ و r=۰/۲۶) با میزان مشارکت فرد در تعاونی بوده است. این یافته نشان دهنده این نکته است که ارزش و رفتار

سبب مشارکت بیشتر آنها در فعالیتهای تعاونی شده است. بین متغیر خوش‌بینی و میزان مشارکت فرد رابطه‌ای وجود نداشته است.

متغیر دانش فنی دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری با میزان مشارکت فرد در تعاونی بوده است (p=۰/۰۰۰ و r=۰/۴۱). بدین معنی هر چه میزان آشنایی فرد با نحوه انجام فعالیتهای حفظ و احیائی مرتع بیشتر باشد میزان مشارکت وی بیشتر است، که با یافته‌های Finsterbusch و Van wicklin (۹) در مورد عوامل مؤثر بر مشارکت بهره‌مندان پروژه‌های توسعه روستائی و Fleischer و Applebaum (۱۰) پیرامون عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیتهای مزرعه‌ای انطباق دارد. همچنین متغیر سطح سواد دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری با میزان مشارکت فرد در تعاونی بوده است (p=۰/۰۰۰ و r=۰/۲۸). یعنی هر چه افراد از سطح سواد بالاتری برخوردار باشند به اهمیت مشارکت خود در فعالیتهای تعاونی به منظور



$$F = 21.67 + 3.84x_1 + 0.6x_2$$

آزمون F در جدول ۵ نشان می‌دهد که متغیرهای مزبور توضیح آماری معنی‌داری از تغییرات متغیر وابسته را نشان می‌دهند. نتایج ارائه شده در جدول ۶ نشان می‌دهد که متغیرهای مزبور ۳۹/۱ درصد از تغییرات میزان مشارکت را توضیح می‌دهند. همچنین جدول مزبور نشان می‌دهد، متغیر مستقل خدمات ترویجی به تنهایی ۳۶/۸ درصد از میزان تغییرات مشارکت فرد را توضیح می‌دهد و متغیر سطح سواد فرد به تنهایی ۲/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته مشارکت را می‌سند.

### نتیجه‌گیری

مشارکت به عنوان فرایندی توانمندساز موجب تحرک بخشی منابع محلی، بکارگیری گروه‌های متنوع اجتماعی در تعریف مشکلات، تصمیم‌گیری پیرامون طراحی و نحوه اجرای فعالیت‌ها می‌شود و در نهایت با ایجاد انگیزه مالکیت زمینه‌های لازم جهت اعمال مدیریت مسئولانه، آگاهانه و فعال در زمینه حفظ، احیاء و بهره‌برداری اقتصادی از عرصه‌های مزبور را فراهم نموده و شعار حفاظت و احیاء و بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی که سالها سرلوحه فعالیت‌های بخش‌های اجرایی بوده است، عملاً تحقق می‌یابد.

یافته‌های بدست آمده از این پژوهش مبین نکاتی است که ذکر هر کدام می‌تواند به میزان زیادی در راهکارهای اجرایی به منظور حصول موفقیت بیشتر و میزان مشارکت بیشتر اعضاء در این تعاونی‌ها مفید واقع گردد. از میان متغیرهای این پژوهش تنها ارتباط با کارمندان منابع طبیعی، تقدیرگرایی، موفقیت‌مداری، دانش فنی فرد، سطح سواد، منفعت-هزینه، پیامد اجتماعی مشارکت، خدمات ترویجی و تأمین نهاده دارای همبستگی معنی‌داری با متغیر میزان مشارکت فرد در تعاونی می‌باشند. و با وجود تأکید زیاد بر رابطه بین سن فرد و میزان مشارکت فرد در این پژوهش هیچ گونه رابطه‌ای مشاهده نگردیده است. همچنین از میان متغیرهای مزبور تنها متغیرهای خدمات ترویجی و سطح سواد در تابع رگرسیونی چندگانه به شیوه مرحله‌ای وارد و به ترتیب ۳۷٪ و ۲٪ تغییرات متغیر میزان مشارکت را توضیح می‌دهند.

یافته مزبور نشان می‌دهد خدمات ترویجی که در این تحقیق با توجه به میزان بهره‌مندی فرد از کلاس‌های ترویجی، تماس با کانال‌های ارتباطی تلویزیونی و رادیویی، بازدید از مناطق حفاظت شده مورد سنجش قرار گرفته است، نقش به‌سزائی در تعیین میزان مشارکت فرد در تعاونی دارد. به طوری‌که هر اندازه فرد از تسهیلات مربوطه استفاده نموده است به همان میزان به اهمیت و نقش خود در فعالیت‌های تعاونی آگاه گردیده و تمایل و رغبت بیشتری جهت انجام فعالیت‌ها از خود بروز داده است. همچنین فراهم نمودن امکان بازدید از مناطق حفاظت شده به عنوان یکی از روش‌های ترویجی نقش به‌سزائی در اهمیت فعالیت‌های حفظ و احیائی برای مرتع‌داران به شکل ملموس تری ایفاء می‌نماید. علاوه بر این در هر کدام از تعاونی‌های مذکور می‌توان مناطقی را به عنوان مراتع نمایشی مورد حفاظت قرار داده و تأثیر مثبت فعالیت‌های حفظ و احیائی را هر چه بیشتر برای آنها آشکار نمود و بر نگرش آنها پیرامون اهمیت به کارگیری فعالیت‌های مذکور تأثیر گذارد.

کارکنان تأثیر به‌سزایی در میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های تعاونی دارد و می‌تواند مشوقی اساسی برای افراد جهت مشارکت باشد. یافته مزبور با مطالعات Cramer و Kennedy (۶) پیرامون تأثیر ارزش و رفتار کارمندان منابع طبیعی بر ساکنین این عرصه‌ها همخوانی دارد. متغیر پیامد اجتماعی مشارکت دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری با میزان مشارکت فرد در تعاونی بوده است. ( $r=0.36$  و  $p=0.000$ ). این یافته مبین این است که بهبود موقعیت اجتماعی فرد در بین اعضاء تأثیر به‌سزایی در میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های بعدی تعاونی داشته است، یعنی هرچه افراد به این خواسته خود در مراحل ابتدایی تأسیس تعاونی دست یافته‌اند، به مشارکت بیشتر خود در فعالیت‌های بعدی افزوده‌اند. یافته مزبور با مطالعات Fliescher و Applebaum (۱۰) و Lorendhal (۱۸) پیرامون اثرات اجتماعی مشارکت فرد بر میزان مشارکت وی در فعالیت‌های بعدی همخوانی دارد.

متغیر خدمات ترویجی دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری با میزان مشارکت فرد در تعاونی بوده است. ( $r=0.59$  و  $p=0.000$ ). یافته مزبور بیانگر این است هرچه افراد در زمینه اهمیت منابع طبیعی و شیوه‌های حفظ و احیاء آن آگاهی کسب کنند به همان اندازه در فعالیت‌های مربوطه مشارکت می‌جویند. یافته‌های Ekpe (۸) و Ladele و همکاران (۱۷) پیرامون عوامل مؤثر بر گسترش تعاونی و افزایش عضو تأییدکننده این یافته می‌باشد. البته منظور از خدمات ترویجی مجموعه فعالیت‌هایی بوده که در قالب آموزش‌های انفرادی، گروهی و انبوهی ارائه شده است.

متغیر تأمین نهاده نیز دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری با میزان مشارکت فرد در تعاونی بوده است ( $r=0.21$  و  $p=0.005$ ). این یافته بیانگر این است هرچه تعاونی در جهت تأمین نهاده‌های لازم فرد تلاش نموده بر میزان مشارکت فرد مؤثر بوده است. که با یافته‌های Ekpe (۸) انطباق دارد.

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای منبع اصلی درآمد، وجود رهبری اجتماعی فعال، محل سکونت و داشتن شغل دوم با میزان مشارکت فرد از جداول توافقی و کای اسکور استفاده گردید، که رابطه معنی‌داری وجود نداشت.

### بررسی توانایی متغیرهای دارای همبستگی با مشارکت

#### در پیش‌بینی میزان مشارکت فرد

به منظور تعیین میزان تأثیر ترکیبی متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر میزان مشارکت فرد در تعاونی از تحلیل رگرسیونی چندگانه استفاده شد. روشی که برای شناخت مدل رگرسیونی بکار گرفته شد، روش گام به گام است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی نشان داد که در گام اول متغیر خدمات ترویجی به عنوان مهمترین متغیر تأثیرگذار بر میزان مشارکت فرد در تعاونی در مدل وارد شده و در گام دوم متغیر سطح سواد در مدل وارد شده است. در پایان گام دوم با توجه به آنکه خطای آزمون به ۵٪ رسیده و متغیر دیگری در مدل وارد نگردید، عملیات رگرسیونی به صورت نهایی در آمده است. بر این اساس، مقادیر B در جدول ۵ نشان می‌دهد به ازاء یک واحد تغییر در متغیرهای خدمات ترویجی و سطح سواد به میزان ۳/۸۴ و ۰/۶ واحد در متغیر میزان مشارکت فرد در تعاونی تغییر ایجاد می‌شود. بنابراین با توجه به این ضرائب معادله رگرسیونی زیر را می‌توان نوشت:

جدول ۵- رگرسیون چندگانه به شیوه مرحله‌ای به منظور تعیین تأثیر متغیرهای منفعت-هزینه، تقدیرگرائی، موفقیت مداری دانش فنی، سطح سواد، پیامد اجتماعی مشارکت، ارتباط با کارکنان منابع طبیعی، خدمات ترویجی و تأمین نهاده با میزان مشارکت فرد

متغیرهای مستقل	B	Se B	Beta	T	Sig.T
عدد ثابت*	۲۱/۶۷	۱/۴۱		۱۵/۲۷	۰/۰۰۰
خدمات ترویجی (X۱)	۳/۸۴	۰/۳۹۵	۰/۶۰۷	۸/۸۷	۰/۰۰۰
سطح سواد (X۲)	۰/۶	۰/۲۳۸	۰/۱۵۷	۲/۴۷	۰/۰۱۴

F=۵۱/۸۷ .Sig. F= ۰/۰۰۰

Constant \*

جدول ۶- میزان تغییرات R<sup>۲</sup> در رگرسیون چندگانه به شیوه مرحله‌ای برای تعیین تأثیر متغیرهای وارد شده در معادله

مرحله	Multiple R	R <sup>۲</sup>	R <sup>۲</sup> adjust	R <sup>۲</sup> changed
خدمات ترویجی	۰/۶۰۷	۰/۳۶۸	۰/۳۶۴	۰/۳۶۸
سطح سواد	۰/۶۲۵	۰/۳۹۱	۰/۳۸۴	۰/۰۲۳

را برای آنها تشریح نمایند.

### پیشنهادها

با توجه به یافته‌های این پژوهش موارد زیر به منظور مشارکت بیشتر مرتعداران در این تعاونی‌ها جهت حفظ و احیاء منابع طبیعی ارائه می‌شود:

- بایستی سعی و تلاش مسئولان اجرایی بر پر بار نمودن هر چه بیشتر خدمات ترویجی باشد تا علاوه بر بالا بردن سطح آگاهی افراد در زمینه اهمیت منابع طبیعی و نقش آنها در حفظ و احیاء این منابع، سبب افزایش دانش فنی مرتعداران پیرامون نحوه انجام فعالیت‌های حفظ و احیائی گردد. تا در نهایت بستری مناسب‌تر جهت مشارکت بیشتر مرتعداران فراهم نماید.

- از آنجا که در این مطالعه، بین متغیر سطح سواد فرد و میزان مشارکت فرد رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده شده است، اتخاذ سیاست‌هایی که به کمک آنها بتوان سطح سواد مرتعداران به عنوان اولین بهره‌برداران عرصه‌های مذکور را ارتقاء داد، توصیه می‌گردد. به نظر می‌رسد سواد آموزی تابعی یعنی الگویی از آموزش که علاوه بر بالا بردن سطح آگاهی مردم آنان را به نحوه انجام کارهای خویش خبیره‌تر نمایند ضروری می‌نماید.

- با توجه به همبستگی بین روابط کارکنان منابع طبیعی با اعضای تعاونی‌ها با میزان مشارکت اعضای پیشنهاد می‌گردد، این کارکنان از حسن نیت لازم برخوردار بوده و سازمان‌های اجرایی نیز حمایت لازم از این کارکنان در جهت تحقق وعده‌هایشان بنمایند تا همواره از تأثیر بالا برخوردار باشند.

یافته‌ها مبین این نکته است هر اندازه فرد از سطح سواد بالاتر برخوردار بوده بیشتر در فعالیت‌های تعاونی مشارکت کرده است. یعنی فرد به اهمیت و جایگاه این منبع خدادادی یعنی مرتع واقف بوده است و عملاً نیاز به انجام فعالیتی در جهت حفظ و احیاء این منبع را احساس نموده است. لذا مشارکت در تعاونی را گامی در جهت برآورد نمودن این نیاز دانسته است. و البته این در حالی است که اعضای تعاونی‌ها از میانگین سطح سواد کمی (۳/۳ سال تحصیلی) برخوردار هستند.

تأمین نهاده از سوی سازمان‌های اجرایی در سالهای اولیه تأسیس این تعاونی‌ها سبب افزایش توان مالی این تشکلهای و بهتر شدن وجهه آنها در نزد اعضا گردیده است که در نهایت منجر به تشویق اعضا و افزایش میزان مشارکت آنها شده است.

با توجه به یافته‌های حاصل از این پژوهش نحوه ارتباط کارمندان منابع طبیعی با اعضا نقش به‌سزایی در میزان مشارکت مرتعداران ایفاء می‌کند، یعنی کارمندان اجرایی و به خصوص کارمندان صحرائی که تماس بیشتری با این افراد دارند هر اندازه از صداقت و حسن نیت لازم برخوردار بوده و همواره در پی ایجاد رابطه دوستانه با اعضای تعاونی‌ها باشند، به همان میزان اعضای تعاونی در فعالیت‌های تعاونی مشارکت کرده‌اند.

تأکید بر منفعت‌زا بودن فعالیت‌های انجام شده بوسیله تعاونی می‌تواند نقش به‌سزایی در تغییر نگرش مرتعداران پیرامون تعاونی و اهمیت مشارکت آنها داشته باشد، لذا ضرورت می‌نماید در بسیاری از موارد به شکل مشخص و برجسته سود ناشی از نحوه تأمین نهاده‌ها مثلاً جو را برای آنها ذکر نموده و یا ارزش اقتصادی بسیاری از فعالیت‌ها از جمله کپه‌کاری

theories". *Economics Development and Cultural Change*. 37(3): 573-594.

10-Fliescher, A. and L. Applebaum.1992; Spetial differences in the labour force participation of married women: The case of Israel peripheral areas. *Journal of Rural Studies*, 8(3): 293-302.

11- Fortmann, L. and J. Kusel.1990; New voices, old beliefs: Forest environmentalism among new and long-standing rural residents. *Rural Sociology*. 55(2): 214-232.

12-Foy, N. 1997; *Empowering people at work*. Cambridge: Cambridge University Press.

13- Garforth, C., C. Van Schoot and L. Maarse. 1988; The role of extension in developing the use of rangelands. *Agricultural Administration and Extensions*, 30: 325-334.

14- Gezon, L.1997; Institutional structure and the effectiveness of integrated conservation and development projects: Case study from Madagascar. *Human Organization*, 56(4): 462-470.

15- Gunter V.J. and B. Finlay.1988; On group participation in environmental conflicts. *Rural Sociology*, 53(4): 498-505.

16- Huntsinger, L. and L.P. Fortmann.1990; California's privately owned oak woodlands: Owners, use and management. *Journal of Range Management*, 43(2): 147-152.

17- Ladele, A.A., T. Olowu and C. Igodan .1994; Socio-economic impact of agricultural cooperative organizations empirical evidence from Nigeria. *Journal of Rural Development and Administration*, 26(1): 1-15.

18- Lorendahl, B. 1996; New cooperatives and local development: A study of six cases in Jamtland, Sweden. *Journal of Rural Studies*, 12(2): 143-150.

19- Lyden, F.J., B.W. Twight and E.T. Tuchmann 1990; Citizen participation in long-range planning: The RPA experience. *Natural Resources Journal*, 30:23-135.

20- Pretty, J. N. and S. D. Vodouhe .1997; Using rapid or participatory rural appraisal. In B.E. Swanson, R.P. Bent and A.J. Sofranko (Eds.), *Improving Agricultural Extension* (47-57). Rome: Food and Agriculture Organization of The United Nations.

21.Slocum, R., L. Witchhart, D. Rocheleau and B. Thomas-Slayer.1995; *Power, Process and Participation Tools for Change*. London Southampton: Intermediate Technology Publications.

در نهایت زمانی می‌توان به مشارکت مرتع‌داران امیدوار بود که آنها دریابند خطر تخریب مراتع مشکلی است که به آنها مربوط می‌شود، و در جهت حل معضل مربوطه می‌توانند عملاً کاری انجام داده و سود ناشی از آن عاید خودشان می‌شود.

### سپاسگزاری

از همکاریها و حمایت‌های بی‌شائبه آقای مهندس عزیز دهقانی که بدون همکاری ایشان انجام این پژوهش میسر نمی‌شد کمال تشکر و قدردانی را دارم.

### پاورقی‌ها

1-Survey Research  
۲ - به منظور محاسبه واحد دامی هر رأس بز و گوسفند معادل یک واحد و هر رأس گاو معادل پنج واحد دامی در نظر گرفته شد.

### منابع مورد استفاده

۱ - اداره کل منابع طبیعی استان کردستان. ۱۳۷۷؛ اسناد اداری، واحد مرتع. مقاله چاپ نشده.

۲ - ملک‌محمدی، ا. ۱۳۷۴؛ تحقیقی پیرامون شاخص‌های مشارکت مردمی در مدیریت منابع طبیعی. جنگل و مرتع، ۲۹: ۳۳-۲۴

3-Battershill, M. R. and A. Gilg. 1997; Socio-economic constraints and environmentally friendly farming in the Southwest of England. *Journal of Rural Studies*. 13(2): 213-228.

4-Brown, A. 1995; Popular participation and empowerment in natural resource management. In CANART Communication Paper Presented at the Second Common Wealth NGO forum Wellington. Aotearo/ Newzeland, 18-23, June.

5- Chambers, R. 1997; *Whose Reality Counts*. London: Intermediate Technology Publications.

6- Cramer, L.A. and J.J. Kennedy. 1993; Changing forest service values and their implications for land management decisions affecting. *Rural Sociology* 53(3): 475-491.

7-Dudley, E. 1993; *The critical villager beyond community participation*. London: Routlage.

8. Ekpe, E. 1994; Major factor affecting development of farmers cooperatives in selected local government areas of ogunstate. *Journal of Rural Development and Administration*, 26, (2): 21-23. (From Rural Development Abstract, 1995,18(1), Abstract No. 160).

9-Finsterbusch, K. and W.A. Van Wicklin.1989; Beneficiary participation in development project: Empirical tests of popular

